واتبع ملة ابراهيم حنيفا

بيروي كنيد كيش ابراهيم پاك را

دين حنيف يا رسالة حنفيه

حرمة ريش تراشى



(بقلم)

دانشجوى محترم

آقاي على اكبر صبوري قمى

— نزيل —

(نجف اشرف)

قال النبي صلى الله عليه وآله وسلم

حلق اللحية من المثله ومن مثل

فعليه لعنة الله

فرمود پيغمبر اكرم (ص) تراشيدن

ريش نوعي از مثله كردن است

هركس مثله كند لعنت خدا براوست

طبعت في المطبعة الحيدرية في النجف الأشرف

واتبع ملة ابراهيم حنيفا

پیروی کنید کیش ابراهیم پاك را

دین حنیف یا رسالهٔ حنیفیه

حرمت ریش تراشی



(بقلم)

دانشجوی محترم

آقای علی اکبر صبوری قمی

– نزیل –

(نجف اشرف)

قال النبي صلى الله عليه وآله وسلم

حلق اللحية من المثله ومن مثل

فعليه لعنة الله

فرمود پیغمبر اکرم (ص) تراشیدن

ریش نوعي از مثله کردن است

هر کس مثله کند لعنت خدا براوست

طبعت في المطبعة الحيدرية في النجف الأشرف

بسم الله الرحمن الرحيم

«تقريظ بقلم الحجة آية الله السيد ميرزا عبد الهادي الشيرازي»

«ادام الله بقائه»

بسم الله ولله الحمد وافضل صلواته على افضل بريته محمد وآله صلى الله عليهم اجمعين . احقر اين رساله شريفه را كه از تأليفات جناب مستطاب ثقة الاسلام مروج الأحكام العالم العامل والبارع الزكي الكامل آقاي آقا شيخ على اكبر الصبوري القمي دامت توفيقاته وتأييداته است مطالعه نمودم الحق والانصاف كوتاهي ننموده وجهات مسئله را بنحو اوفى با استدلال بيان فرموده شايسته هر نوع شكر وتقدير است جزاه الله عن الاسلام خير الجزاء وحشره الله مع المجاهدين في سبيله والحامين عن دينه

الأقل عبد الهادي الحسيني الشيرازي

في ١٤ جمادي الثانيه سنة ١٣٦٨

« تقریظ بقلم العلامه حجة الاسلام الشیخ محمدمحسن (المدعو) »
« بآقا بزرگ الطهرانی »

بسم الله الرحمن الرحیم

سپاس گذاری روا نیست مگر آن یگانه بی همتا را که در فطرت هر مخلوقی ثنا گوئی خود را یادگار گذارده « ومامن شیء الا یسبح بحمد ربه » و در طینت هر بشری قوه شناسائی خویش را مکنون داشته « ماخلقت الجن والانس الا لیعبدون » پس زهی سعادتمند خواهد بود کسیکه ما بالقوه او بفعلیت شود سعی کردن در رسانیدن خود را بنتیجه زندگانی خود و صرف نمودن سرمایه عمر موهوبی را در پیدا کردن راه راست سعادتمندی و ارائه خود و نشان دادن آنرا با بناء جنس خود والحق والانصاف که گوی این سعادت را کما هو حقه ربوده است مؤلف این کتاب مستطاب که مطالعه مضامین آن مغنی از تقریظ و اطراء و اطناب است وهو الفاضل البارع الكامل البالغ مراتب الشیوخ الکمل وهو فی ترعرع الشباب مولانا الشیخ علی اکبر العصوری القمی اکثر الله فی حملة العلم امثاله و بارک علیه آباءه چه آنکه این موجود شریف از آنچه وظیفه دینداری و حق پرستی بود که کوتاهی ننموده و در مقام انتصار ملل اسلام و مسائل این بزرگ قانون دین حنیف را که دست ارادل و اوباش ناس و ارذاله و جهال عوام آنرا گرفتار کرده دستخوش تأویل نموده و این معصیت کبیره را که آنان آنرا حقیر شمرده بلکه آنرا از مباحات اصلیه در انظار جلوه داده کرده اند مصداق با ماد عظمت و بزرگی آنرا گوشزد ابناء نوعش رسانیده جزاه الله عن حمایة دینه و قانونه خیر جزاء المحسنین و حشره مع العلماء العاملین فی اعلی علیین والحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام

على رسوله محمد وآله الطاهرين

حرره اقل العباد عملا واكثرهم ذنبا وجرما الفقير المسمى بمحمد محسن والمدعو بآقابزرك الطهراني نزيل الغري السري والنجف الأشرف في « ١٢ ج ٢ – ١٣٦٨ »

« تقريظ بقلم العلامه الحجه آقا ميرزا محمد علي الغروى الاردوبادى »

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله وسلام على عباده الذين اصطفى

اين سفر شريف كه بنحو اوفى وارد مسئله وبطريقه شايان خارج وعهده دار جهات مطالب بصوره مرضيه است يكي از حسنات عصر حاضر ميباشد فحيا الله مؤلفه العالم البارع مأثره الوقت وغرة الزمن العلامه الاوحد الشيخ علي اكبر الصبورى القمى لازاله حامية الدين وداعيه الهدى

الأحقر محمد علي الغروى الاردوبادي

حرر في ١٤ ج ٢ / ١٣٦٨

سبب تألیف

چون حقیر سال گذشته از عتبات عالیات بقصد زیارت حضرت رضا علی بن موسی علیه آلاف التحیة والسلام رهسپار ایران شدم و خوب در وضع دیانت جامعه تکاوش و کنجکاوی نمودم دیدم واقعاً بقدری قبح اعمال محرمه از نظر جامعه رفته بطوریکه اصلاً بعضی از محرمات الهی را انکار و در مقام تحلیل آن محرم هستند یکی از محرماتی که فعلاً غالب مردم مخصوصاً متجددین (عصراتم) مرتکب هستند همانا تراشیدن ریش است که اصلاً قبحی پیش آنها ندارد بلکه گذاشتن ریش را قبیح میدانند و اگر آنها را هم نهی از این عمل شنیع نمائی در جواب میگویند در کدام از صفحات قرآن نهی از این عمل شده و ما در صفحه ۸ در خطای جاهلان در احکام شرعیه معین نمودیم که این حکم الهی «حرمة ریش تراشی» در کدام از صفحات درج شده و از چه شخصی باید احکام الهی را اخذ کرد ولذا بعد از مراجعت بنجف اشرف حاضر میشدم درس یکی از مدرسین طراز اول نجف اشرف وایشان خارج مکاسب محرمه تدریس مینمودند موقعی که مسئله محرمه لهو و لعب را بآخر رسانیده‌اند بعضی از فضلای حوزه درس ایشان خواهش نمودند که در پیرامون حرمة ریش تراشی بحث نمایند وایشان هم کما هو حقه تمام ادله حرمة را از آیات واخبار و عقل و سیره واجماع بیان نمودند و حقیر مطالب را با اسلوب ساده نگاشتم با زیادتی اجماع مذاهب اربعه بر حرمة ریش تراشی واقوال اطباء قدیم وجدید در مضرات ریش تراشی

اقل الطلبة لخدمة العلم والدین
علی اکبر الصبوری القمی

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشاینده بخشایشگر

پس از ستایش وسپاس خداوند جهانیان وصلوات وسلام براشرف ممکنات وسید کاینات وخلاصه موجودات محمد بن عبد الله صلی الله علیه وآله وسلم وصلوات بیحد حصر بروح پاک جانشین بلا فصل وخلیفه برحق وی مولی الکونین علی بن ابیطالب «ع» وبر یازده فرزندان اوباد خدایا سپاس که درهای دانش را بروی ما گشود تا علوم اسلامی را پایدار کنیم و کتمان حقایق او نشود

« مقدمه اول »

(مضرات کتمان احکام شرعیه)

« سوره بقره » ﴿ ان الذین یکتمون ما انزلنا من البینات والهدی من بعد مابیناه للناس فی الکتاب اولئك یلعنهم الله ویلعنهم اللاعنون. الا الذین تابوا واصلحوا وبینوا فاولئك اتوب علیهم وانا التواب الرحیم. ان الذین یکتمون ما انزل الله من الکتاب ویشترون به ثمنا قلیلا اولئك ما یأكلون فی بطونهم الا النار ولا یكلمهم الله یوم القیمة ولا یزکیهم ولهم عذاب ألیم. اولئك الذین اشتروا الضلالة بالهدی والعذاب بالمغفرة فما اصبرهم علی النار ذلك بأن الله نزل الکتاب بالحق وان الذین اختلفوا فی الکتاب لفی شقاق بعید ﴾

« ترجمه » بدرستیکه کسانی که مخفی میدارند آنچه را که نازل کردیم از بیان آشکار وواضح وهدایت پس از اینکه اورا برای همه مردم آشکار نمودیم در کتاب آنهارا خدا ولعنت کنندگان (ملائکه وپیغمبران واولیاء) لعنت میکنند مگر کسانیکه توبه وخود را اصلاح بنمایند واحکام الهی را آشکار کنند از آنها میگذرم ومن

آمرزنده ام و مهربانم و میفرماید بدرستیکه کسانیکه مخفی میدارند
چیزی را که خدا در کتاب نازل کرده و اورا میفروشند بثمن قلیلی
آنها نمیخورند درشکمشان مگر آتش را و خدا با آنها سخن نمیگوید
و آنهارا پاکیزه نمیکند و عذاب دردناک برای آنها است و آنها کسانی
هستند که هدایت را فروختند وضلالت و گمراهی را خریدند حقدر
در آتش جهنم صبر خواهند کرد برای اینکه خدا کتاب را بحق نازل
کرده و کسانیکه در کتاب اختلاف نمودند برای مخفی کردن احکام
الهی در سر پیچی و سر گردانی و دوری هستند . ای متظاهرین
بدیانت بدانید که احکام الهی تمامش ازعبادات ومعاملات و سیاسات
برای جلب مصالح ودفع مفاسد جعل شده اگر مخفی شود بشر از
مصالح آنها محروم و بمفاسدی دچار خواهد شد که باعث تشویش
واختلاف کلمه مابین افراد جامعة میشود وهر کس ردی هوی وهوسی
که دارد حکمی ورأیی اتخاذ میکند و عموم مردم دچار سر گردانی
و بلا تکلیفی میکردند

« مقدمه دوم »

(وظیفه جاهلان دراحکام شرعیه)

در شریعت اسلام تمام تکالیف بشر از جزئی و کلی معین شده
بطوریکه هر کس بوظیفه مقرره خود عمل نماید هیچ نقص وخللی
در امور اووارد نخواهد شد از جمله تکالیفی که برای جاهل مقرر
شده درشرع انور در ابتداء امر رجوع نمودن او بعالم دراحکامی
که راجع بدین است وانسان اگر قوه استنباط ندارد باید در تمام
احکامش از جزئی و کلی رجوع بمفتی وعالم نماید وحق ندارد بدون
کسب عالم چیزی بگوید وحکمی را بیان نماید واین اصل موافق

عقلی برای احکام شرعیه میباشد ولی مذهب شیعه مقرر و مشروع نموده و مسلم
است بلکه یکی از جبلیات نوع بشر است که باید در تمام علوم حتی
صنایعی را که نمی‌داند انسان اگر خواسته باشد اطلاع از او پیدا
نماید بدون رجوع بعالم آن فن و صنعت از برای او حاصل نمی‌شود
ولکن علما نمی‌دانم که این اصل مسلمی را که عقل هر ذی‌شعوری
براو حاکم است مخطی شده حتی برساله مجتهدین هم وقعی نگذارده
شده برخلاف حکم آنها سخن رانده اگر جاهلان معتقد بدیانت باین
اصل معتقد میشدند و هر کس بمجتهدی که مرجع اوست رجوع می
نمود و بدون کشف او سخنی نمی راند هرگز اختلاف کلمه و تشتت
آراء و مفاسد دیگر تولید نمی‌شد و در حدیث وارد شده « لو سکت
الجاهل بما لایعلم لم یختلف اثنان » یعنی اگر جاهل ساکت میشد از آنچه
را که نمی‌داند اختلاف مابین دو نفر پیدا نمی‌شد از این پس منشاء
اختلاف همیشه جهال هستند برای رفع این اختلافات چاره نیست
جز اینکه مجال داده نشود بجهال که در احکام شرعیه و تعیین تکالیف
نوعیه بدون رجوع بمجتهد دخالت کنند

« مقدمه سوم »

(خطای جاهلان در احکام شرعیه)

اگر سؤال کرده شود از این اشخاصی که مقداری بمبدء و معاد
قائلند چرا این عمل قبیح را مرتکب میشوید در جواب میگویند در
کدام از صفحات قرآن نهی از این عمل شده اولا باین شخص
میگوئیم تو خودت که قرآن فهم نیستی تا اینکه بفهمی نهی وارد
شده یا نه و بمقتضی مقدمه دوم باید رجوع بعالم فن نمائی و ثانیا این
کتاب آسمانی که نازل بر پیغمبر اسلام شده و تمام کلیات احکام اسلام

از عبادت ومعاملات وسیاسات در این کتاب مجید بر عهده پیغمبر اسلام است که برای امت خود بیان نماید وبعد از خودش هم وصی قرار داده وفرموده این کتاب از عترة من جدا نمیشود تا اینکه روز قیامت وارد شوند بر من وسؤال مینمائیم از این اشخاص که در کدام از صفحات قرآن نوشته شده نماز صبح دو رکعت است وبچه نحو باید خوانده شود وبچه نحو باید حج نمود وغیر ذلك از احکام مادر جواب از طرف این اشخاص میگوئیم که بیانات این احکام راجع به پیغمبر «ص» اسلام است وبعد از خودش هم محول فرموده بائمه معصومین علیهم السلام وفعلاهم که زمان غیبت است بیان این احکام راجع است بحامیان دین ومجتهدین اسلام که خود امام اینها راتعیین نموده است از برای بیان کردن احکام ورجوع کردن مردم باینها پس بنابر این باید رجوع بمجتهدین نمود وبدون جهت دروغ بر خدا وپیغمبر نبندید که دروغ گفتن بخدا اکیداً درقرآن کریم واحادیث شریفه ممنوع شده «درسوره کهف» فرموده {ولا تقولوا لما تصف السنتکم الکذب هذا حلال وهذا حرام لتفتروا علی الله الکذب ان الذین یفترون علی الله الکذب لا یفلحون}

«ترجمه» مگوئید آنچه زبانتان وصف کرده که این حلال است واین حرام برای اینکه دروغ بخدا می بندید حتما کسانیکه بخدا دروغ می بندند رستگار نمیشوند ونیز دراحادیث شریفه وعید عقاب شدید الهی بر گفتن بر خدا بدون علم داده شده وحضرت امیر المؤمنین «ع» میفرماید اگر از آسمان بیفتم وکرکس هاتن مرا بربایند وتکه تکه کنند دوست تر نزد من است از آنچه بر رسول خدا بگویم که از پیغمبر نشنیده باشم باین آیات کریمه واحادیث شریفه بچه میزان

حاملان منعهدی مقام علمی می شوند و بدون اینکه رجوع باخبار واحادیث نمایند سخن میگویند تمـــام این احکام الهی از جزئیات وکلیات آن روی یك مصالح و مفاسدی جعل شده حصر نمی خواهم فلسفه احکام رابیان نمایم بلکه اقوال اطباًئیکه مضراتی از برای ریش تراشیدن گفته اند نقل میکنیم

« اقوال اطباء »

(در مضرات ریش تراشي)

نظر باینکه فعلا متجددین عصر طلائی بشر آشنای با کلمات « موسیو فلان » هستند وبا کلمات آئمه هــدی سلام الله علیهم سرو کاری ندارند بلکه بسا میشود نعوذ بالله اطمینانشان بجمله که نقل شده « از دکتور فلان وایکتور فلان » بیشتر است از کلمات معصومین ولذا قبــل از آیات واخبــاری که در این باب وارد شده مقداری از کلمات اطباء ممالك خارجه رانقل مینمائیم درتاریخ (امریکا در صفحه ١٦٠) سجعان رومانی میگوید بعضی از این مردم امروز از ریش تراشیدن خوششان می آید وحال انکه گذاشتن ریش بهتر است از تراشیدن بجهت اینکه بطاسي شهیر « دکتور فینکور جرج » گفته است از برای ریش منافع زیادی است از جمله دهــان را حفظ میکند ومانع از رطوبات میشود ودندانها وغدد لعابیه را باکیزه نکاه میدارد درروزنامه « العدل که دراسلامبول » نشر میشود در نمره یکصد وسي ودویم بتاریخ ــ ٢١ نوفمبر ١٩١١ ــ درج شده باین عبارت «ضد حاق اللحیه » تألیف جمعیــة في انکلترا لمقاومة استعمال الموسی ومن مبادی هذه الجمعیة السعي فی حمل الناس علی ارسال لحاهم بحجة ان الموسی تکون سببا من اسباب نقل العــدوی والأمراض المعدیة وقد

طبعت هذه الجمعية منشوراً وزعته على كبار الانكليز واعيانهم ودعتهم فيه لتائيدها بارسال لحاهم حتى يتشبه بهم الشعب وقد وضعت في المنشور صورتين واحدة تمثل رجل حليق الذقن والاخرى تمثل رجل ذا لحية وجمعت كل المحاسن في الوجه الثاني كما ملئت لوجه الأول بالقبائح الخ

« ترجمه » در این روزنامهٔ که در اسلامبول منتشر میشود برعلیه وضد عادت ریش تراشي جماعتي درانكلستان انجمن نموده‌اند سخت جلو كيري مينمايند ار كار كردن تيغي بررخسار ريش تراشيان واز جمله تعليمهاي اساسي اين جماعت سعي وتلاش در اينكه مردمانرا وادار كنند برها ساختن ريش وترك تراشيدن آن بجهت اينستكه تيغهاي دلاكان مايه سرايه وتعدي امراض مسريه است بلب ودهان وچهره وكاوي ريش تراشان ودرستيكه اين انجمن ورقهٔ چاپ نموده وبربزركان انكليس ولوردهاي ايشان قسمت وبخشش نموده وايشان را بمساعدت خود خواهده كه رها سازند ريشهاي خود را تا اينكه عموم مات تقليد آنها وپيروي بنمايند ودر اين ورقه دو صورت چاپ شده يكي تمثال مردي كه ريش خود را تراشيده است ودر او جميع رسائيها وبديها را نمايش داده ديكري تمثال مردي كه ريش خود را رها ساخته ودر او جميع زيبائيها وخوبيها راجلوه ونمايش داده‌اند ونيز در (مجله المقتبس) چاپ دمشق در جلد ششم صفحه (١٤٤) اثبات نموده كه تيغهاي ريش تراشان ناقل امراض وباعث سرايت دردها است بچهره وصورت مردمان تندرستي كه به تراشيدن ريش عادت نموده اند (قال سجعان وغيره) انهم حلقوا مرة لحى جميع مستخدمي السكك الحديدية في ايام الشتاء فحصل لأكثرهم وجع ونخر في الأضراس والأسنان وورم في الغدد اللعابية

(ترجمه) سجعان واطبای دیگر مثل (دکتور جرج) گفته اند که درزمانی تراشیدند ریشها راکارکنان راه آهن در موسم زمستان پس بیشتر از اینها مبتلا بدرد دندان وآماس واورام سخی شدند در غده‌های که سرچشمه های لعاب گلو ودهان است (سجعان) گفته که اهل این مملکت دیده مبتلای بمرض زکام بودند بعداً یکی از اطبای حاذق امر کرد مردم را که ریش بگذارند وآنها هم عملی نمودند بکلی زکام از مابین مردم برطرف شد از این گونه اقوال اطباء زیاد است واحتیاج نداریم بزاید آن بعد از انکه اخبارزیادی از أئمه هدی علیهم السلام برحرمة ریش تراشي وارد شده

(استدلال بر حرمة ریش تراشی)

(از قرآن کریم)

(۱) ازجمله استدلالات بایه کریمه (واتبع ملة ابراهیم حنیفا) است در تفسیر علي بن ابراهیم قمي نور الله مضجعه از حضرت صادق ع روایت میکند که فرمود نازل کرد خداوند تبارك وتعالی برحضرت ابراهیم حنیفیه را « الطهاره » که عبارت باشد از پاکیزگي که ان ده چیز میباشد پنج چیز ان راجع بسر است و پنج چیز راجع ببدن آن چیزها ئیکه راجع بسر است

(اول) گرفتن شارب «سابیل » (دوم) گذاشتن ریش (سوم) تراشیدن موي سر (چهارم) مسواك کردن « پنجم » خلال نمودن واما آن پنج چیزی که راجع ببدن است

« اول » تراشیدن موواز بدن « دوم » ختنه کردن « سوم » ناخن گرفتن « چهارم » غسل جنابة « پنجم » طهاره بآب واین ده چیز حنیفیه بحضرت ابراهیم است که آورد برای امت خود نسخ

نشده و نسخ نخواهد شد تا روز قیامت مجلسی علیه الرحمه در جلد (۱۶) بحار از طرق عامه مثل همین نقل میکند وجه استدلال بآیه شریفه این است که این ده چیز نسخ نشده و پیغمبر اسلام مأمور بوده است بمتابعت این ده چیز ودعوت کردن امت را بر آن و از جمله این ده چیز گرفتن شارب است که مستحب است و گذاشتن ریش که ممنوع است از تراشیدن آن اگر کسی بگوید سیاق روایت این است که دلالت بر حرمة نمیکند جهت اینکه روایت مشتمل است بر بعضی از امور مستحبه دیگر جواب میدهیم

« اولا » باینکه روایت مشتمل است برغسل جنابه که از واجبات است « وثانیا » ظهور امر (اتبع) در وجوب است مادامیکه ترخیصی از طرف خود شارع وارد نشده باشد و تفکیک قائل شدن بین فقرات روایتی که مشتمل است هم بر امور مستحبه و واجبه در کلمات اهل ادب عزیز الوجود نیست

(۲) دوم استدلال بآیه کریمه (وان یدعون الا شیطانا مریدا . لعنه الله وقال لأتخذن من عبادك نصیبا مفروضا ولأضلنهم ولأمنینهم ولآمرنهم فلیبتکن آذان الأنعام ولآمرنهم فلیغیرن خلق الله)

« ترجمه » یعنی نمیخوانند مگر شیطان سرکش را لعنت شیطان فرا گیرد او بندگان تو بهره که مقرر شده و هر آینه گمراه کنم ایشانرا و به آرزو اندازم ایشانرا و میفرمایم ایشانرا پس ببرند ابدان گوشهای چهار پایان و میفرمایم ایشان را پس تغییر میدهند خلق خدا را وجه استدلال باین آیه بعد از تسلیم دو مقدمه است

اولا — اینکه ریش تراشیدن از جمله تغییر دادن در خلق الله بوده باشد

ثانیا — اینکه تغییر در هر خلق الله حرام بوده باشد مگر مواردیکه

دلیل بر جواز بوده باشد مثل ختنه کردن وناخن گرفتن که یقیناً اینها از تغییر در خلق الله است ولکن خود شارع تجویز کرده بلکه لازم الاجراء است پس در نتیجه این صغری و کبری آیه (ولیغیرن الله) شامل این فعل شنیع میشود وثابت میشود حرمتش بجهت اینکه ترخیص ازطرف شارع نشده بلکه دراخبار زیادی نهی ازاین عمل شده وعلاوه براین تغییر خلق را که قسمي ازآن تراشیدن ریش است شیطان لعنة الله علیه امر میکند برای اضلال کردن خلق وشیطان هیچوقت آدم را بر عمل مباح امر نمیکند همیشه بریك عملی امر میکند که باعث غضب الهي شود

« اخبار وارده »

(در حرمة ریش تراشي)

« ١ » ازجمله خبری است که روایت شده درقرب الاسناد که تألیف شیخ القمیین است ومجلسي علیه الرحمه ازتهذیب که یکي از کتب اربعه وتألیف شیخ طوسي است نقل میکند

عن علي بن جعفر بن محمد بن علي بن الحسین بن علي بن ابیطالب عن اخیه موسی * ع * قال سألته عن اخذ الشارب اسنه هو قال نعم وسألته عن الرجل له ان يأخذ من لحيته قال امامن عارضيه فلابأس واما من مقدمه فلا

« ترجمه » اما علي بن جعفر راوي روایت جلالت وعظمت قدرش بحدي است که محتاج به بیان نیست وقبر شریفش معروف است در خارج « شهر قم » ولکن مجلسي ثاني اعتراض کرده بر بودنش که قبر ایشان بودنش درخارج قم صحت ندارد بجهت اینکه روی قبر نوشته شده فلان بن فلان ابن علي بن جعفر بعد تمام آن اسمها پاك شده فقط

علي بن جعفر باقي مانده واشتباه شده غرض مراد مجلسي این است که این قبری که معروف بعلي بن جعفر است یکي ازاولادهاي ایشان است فرمود علي بن جعفر سؤال کردم ازبرادرم موسی بن جعفراز گرفتن شارب آیا مستحب است فرمود بلي وسؤال کردم از مردی جایز است از براي اوزدن وگرفتن ریشش رافرمود اما ازدوعارض « دوگونه » عیبي ندارد ولـکن ازمقدم عارض « صورت » عیب دارد

« ۲ » ازجمله اخبار خبری است که روایت شده در کتاب جعفریات تألیف ابي الحسن اسماعیل بن موسی بن جعفر * ع * قال محمد بن محمد ابن اشعث الکوفي عن ابي الحسن موسی بن اسماعیل بن موسی بن جعفر بن محمد عن جده علي بن الحسین عن ابیه عن علي بن ابیطالب * ع * قال قال رسول الله * ص * حلق اللحیـــة من المثله ومن مثل فعلیه لعنة الله

« ترجمه » فرمود رسول خـدا * ص * تراشیدن ریش ازقبیل مثله است وهر کس مثله کند لعنت خدا براو است یعني کأ انــکه مثله کردن که قطع اعضاء مخصوص است درشرع مقـدس یکي از محرمات استوموجب لعن الهـی میشود وممدوز لعن از پروردکار باعث بغض وعقاب است همچنین تراشیدن ریش هم ازقبیل قطع اعضاء است موجب غضب الهي ومورد عقاب است

« ۳ » ازجمله اخبار خبری است که درمجلد * ۱۶ * بحار مجلسی علیه الرحمـه ازکتاب کافي نقل میکند عن علي بن احمد الدقاق عن الکلیني عن علي بن محمد عن محمد بن اسماعیل بن موسی عن احمد بن القاسم العجلي عن احمد بن یحي المعروف بیرد عن محمد بن حذامي عن

عبد الله بن ايوب عن عبد الله بن هشام عن عبدالكريم بن عمر الجعفي عن حبابة الوالبية قالت رأيت امير المؤمنين * ع * في شرطة الخميس ومعه دره وله سبابتان يضرب بها بياعى الجري والمارماهي والزمير والطافي ويقول لهم يابياعي مسوخ بنى اسرائيل وجند بني مروان فقام اليه فرات بن احنف فقال له ياامير المؤمنين وماجند بني مروان فقال اقوام حلقوا اللحي وفتلوا الشوارب فمسخوا الخ

ـ ترجمه ـ حضرت امير المؤمنين * ع * با تازيانه دوسره خود فروشندكان ماهيان حرام گوشت را ميزده ميفرمود اي فروشندگان مسوخ بني اسرائيل واشكر بني مروان فرات بن احنف عرض كرد ياامير المؤمنين لشكر بنى مروان كيانند فرمود اقوامي بودند كه ريشهاىشان را ميتراشيدند وسبيلهاشانرا مي تابيدند وخداوند آنها را مسخ كرد اين روايت صريح در حرمت است بجهت اينكه مسخ شدن بشكل ماهيان حرام گوشت ازمعظم ترين عذابها است ومسخ شدن كه ازمعظم عذابهاي الهي است نميشود مگر ازبراي يك عملي كه خيلي مهم وازگناهان كبيره باشد

« سيره قطعيه »

(در قبح ريش تراشي)

اگر بانظر دقيق نگاهي نمائى درتواريخ مي يابي كه اززمان حضرت آدم تازمان خاتم واين زمان درجميع اعصار وادوار تمام انبياء ورسل واوصياء واولياء صالحين حتى بعضي ازسلاطين حفظ اين معنى را نموده وشنيده نشده كه اين عمل شنيع ازاحدي ازاين اشخاص سر بزند واگر بانظر دقيق تر نگاوش نمائي مي بيني كه رؤساي مذاهب ومراجع اسلام ازعامه وخاصه بلكه قسيسين ورهبانيين وعلماي يهود

وغير علماء يهود ازملل واديان خارجه اين عمل شنيع را مرتكب نمي شدند بجهت اينكه آن اشخاصي كه قائل بمذهب اسلامند البته جون بايد بقوانين مذهبي خود عمل نمايند اين عمل شنيع را ترك كرده واما آن اشخاصيكه بدين هم قائل نيستند على كل حال جون اين عمل داراي مضراتى است كه شخص عاقل مرتكب جيزي كه مضرار براي نفس است نمي شود ولذا فعلا در ممالك خارجه پرفسورها واطباي حاذق آن كونه قوانيني كه در اسلام ضرر دنيوي دارد مرتكب نمي شوند

نقل اجماع علماء شيعه

« درحرمة ريش تراشي »

اشخاصي كه ازعلماي شيعه نقل اجماع برحرمة ريش تراشي كردند مير داماد قدس الله سره در رساله شارع النجاتش فرموده تراشيدن ريش حرام است

باجماع مسلمين وبهاء الملة والدين شيخ بهائى دركتاب اعتقاداتش فرموده تراشيدن ريش مثل بقيه كناهان كبيره است ازقبيل قمار، سحر، رشوه وفرموده است احدى ازعلماء خلاف دراين مسئله نكرده است وبسابا شد كه ازضروريات ومسلمات نزد همه است

نقل اجماع

« علماي مذاهب اربعه درحرمة ريش تراشي »

دركتاب (الابداع في مضار الابتداع)ص ٤٠٧ تأليف شيخ علي محفوظ كه از علماي طراز اول جامع ازهر مصر ميباشد نقل اجماع

كرده ازمذاهب اربعه برحرمة ريش تراشى وماعين كلمات صاحب كتاب را نقل ميكنيم قال (وقد اتفقت المذاهب الأربعة على وجوب توفير اللحيه وحرمة حلقها والأخذ القريب منه

«الأول» مذهب الحنفيه قال في الدر المختار ويحرم على الرجل قطع لحيته وصرح في النهاية بوجوب قطع مازاد على القبضة (بالضم) واما الاخذ منها وهي دون ذلك كما يفعله بعض المغاربه ومخنثة الرجال فلم يبحه احد واخذ كلها فعل يهود الهند ومجوس الأعاجم اه (فتح) وقوله ماوراء ذلك يجب قطعه هكذا عن رسول الله * ص * انه كان يأخذ من اللحية من طولها وعرضها كما رواه الامام الترمذي في جامعه ومثل ذلك في اكثر كتب الحنفية

« الثاني » مذهب السادة المالكيه حرمة حلق اللحية وكذا قصها اذا كان يحصل به مثله واما اذا طالت قليلا وكان القص لا يحصل به مثله فهو خلاف الاولى اومكروه كما يؤخذ من شرح الرسالة لأبي الحسن وحاشيته للعلامة العدوي رحمهم الله

« الثالث » مذهب السادة الشافعية قال في شرح العباب (فائدة) قال الشيخان يكره حلق اللحية واعترضه ابن الرفعه بان الشافعي رضي الله عنه نص في الام على التحريم وقال الاذرعي الصواب تحريم حلقها جملة لغير علة بها اه ومثله في حاشية ابن قاسم العبادي على الكتاب المذكور

« الرابع » مذهب السادة الحنابلة نص في تحريم حلق اللحية فمنهم من صرح بان المعتمد حرمة حلقها ومنهم من صرح بالحرمة ولم يحك خلافا كصاحب الانصاف كما يعلم ذلك بالوقوف على شرح المنتهى وشرح منظومة الأداب وغيرها ومما تقدم تعلم ان حرمة حلق اللحية هي دين

الله وشرعه الذي لم يشرع لخلقه سواه وان العمل على غير ذلك سفه وضلاله اوفسق وجهاله اوغفلة عن هدى سيدنا محمد صلى الله عليه وآله وسلم

ـ ترجمه ـ شيخ علي محفوظ مدرس قسم تخصص جامع ازهر مصر در كتاب ـ الابداع في مضار الابتداع ـ كه اين كتاب تمام بدعتهائي كه در دين كذاشته شده نقل ميكنـد حقير نسخه اورا درنجف فقط يكنفر داشت جنـد ساعتي كرفتم واستفاده نمودم خلاصه ميكويد بتحقيقكه اتفاق واجماع كردند مذاهب اربعه بروجوب كذاشتن ريش وحرمة تراشيدن ريش وكرفتن ازريش بحـديكه نزديك بتراشيدن بوده باشد

(اول) ازمذاهب اربعه مذهب حنفيه است كه ازابوحنيفه نقل فتوي بر حرمت كرده شده ودر «درالمختار» كفته حرام است برمرد كندن وازبين بردن ريش را وتصريح كرده است در ـ نهايه ـ واجب است زدن زياده ازيك قبضه واما كرفتن ازريش وكم كردن ازيك قبضه كما اينكه اين فعل اشخاصيست كه درمغرب زمين ساكننـد وفعل مخنثين است احـدي مباح نكرده وكرفتن همهٔ ريش را كما اينكه يهوديهاي هند ومجوسهاي عجم ميكنند الخ

دركتاب ـ فتح ـ كفتـه است بيشتر ازيك قبضه راواجب است قطعش همينطور بيغمبر * ص * ميكرفت از ريش خود از طولش وعرضش همچنين روايت كرده امام ترمـدي در كتـاب جامع خود ومثل همين در بيشتر از كتب حنفيه است

«دوم» مذهب مالك است كه حرام است تراشيدن ريش وهمچنين زدنيكه صدق تراشيدن نكند. واما اكـر كمي دراز بشود وزدنش صدق تراشيدن نكند بس خلاف اولى يامكروه بجـا آورده همچنين

است درشرح رساله ابی الحسن وحاشیه او بر علامه عدوی

« سوم » مذهب شافعی گفته است درشرح عباب (فائده)شیخان گفتند تراشیدن ریش مکروه است واعتراض کرده ابن رفعه بر شیخان باینکه شافعي تصریح کرده در کتاب ـ الام ـ برتحریم واذرعي گفته صواب حرام بودن تراشیدن ریش است همه اش را بدون علة الخ ومثل همین گفته درحاشیه‌قاسم عبادي در کتاب‌مذکور

« جهارم » مذهب حنبلي‌ها تصریح کرده اند بحرام بودن‌تراشیدن ریش بعضي از حنبلیها تصریح کرده اند بدرستیکه اعتماد کرده‌شده بحرام بودن تراشیدن ریش وبعضي تصریح کرده اند بحرام بودن تراشیدن ریش وخلافی هم ننموده مثل صاحب کتاب ـ الانصاف ـ مثل اینکه دانسته میشود این مطلب درشرح ـالمنتهي ـ وشرح ـمنظومة الأداب وغیر اینها وازاین اقوالیکه ذکر شد دانسته میشود حرام بودن تراشیدن ریش وحرمت تراشیدن ریش ازدین خداوندوشریع اواست که ازبراي خلق خود تشریع نفرمود مگر اورا وعمل کردن بغیر این ـ یعنی تراشیدن‌ریش‌ـدیوانگي وگمراهي است‌یافسق‌ونادانی است ویاغفلت ازشریعت وراه آقای ما محمد * ص * است

تائیدات ازاخبار

(بر حرمة ریش تراشي)

ـ۱ـ ازجمله اخباریست وارد شده ازطرق عامه وخاصه برنهي از تشبه بکفارواعداء دین‌روایت کرده شیخ صدوق علیه الرحمه در کتاب (من‌لا یحضره‌الفقیه) که یکي از کتب اربعه است‌ومحل مراجعه امامیه بآن کتاب است « عن اسماعیل‌بن مسلم عن مولاناالصادق * ع * قال

اوحى الله الى نبي من انبيائه قل المؤمنين لاتلبسوا ملابس اعدائى ولاتطعموا مطاعم اعدائى ولاتسلكوا مسالك اعدائي ولاتأكلوا مآكل اعدائى فانكم اعدائى كما هم اعدائى

ـ ترجمه ـ حضرت صادق * ع * فرمود وحي نمود خداوند بيكي ازانبيائش كه بمؤمنين بكو لباسهاى دشمنان مرا نپوشيد وغذاهاي دشمنهاي مرا نخوريد وطريقه وراه دشمنان مرا مگيريد والا دشمن من هستيد كما اينكه آنها دشمن منند پس شباهت ومشاكلت با آنها حرام است ازجمله طريقه آنها ريش تراشيدن است كه حرام است وهرموحدى ومؤمنى اين خطاب شامل اوميشود وبر عهده او است كه درموارديكه تشخيص ميدهد كه ازآداب آنها است اجتناب كند

ـ ۲ ـ دومين خبري كه مؤيد ازبراي حرمة ريش تراشي است خبرى است كه روايت شده دركتاب ـ معانى الأخبار ـ كه شيخ صدوق نقل كرده باسناده « عن علي بن غراب عن مولانا الصادق * ع * عن ابيه عن جده قال رسول الله * ص * حفوا السوارب واعفوا اللحى ولا تشبهوا بالمجوس »

ـ ترجمه ـ فرمود رسول خدا * ص * بزنيد سبيلها را ورها كنيد ريش را اين روايت صريح است درنهى ازتشبه بمجوس بدليل اينكه درخبر ديكر دارد « ان المجوس جزوا لحاهم ووفروا شواربهم واما نحن فنجز الشوارب ونعفى اللحى وهي الفطرة »

ـ ترجمه ـ فرمود امام بدرستيكه مجوس ميتراشيدند ريشها يشان را وميكذاشتند سبيلها را واماما اهل بيت عصمت ميزنيم سبيلها را وميكذاريم ريشهارا وجايز نيست از براي مرد مؤمن ومسلم اينكه خودش را شبيه بمجوس نمايد وممكن است از لاتشبهوا باليهود كه

دربعضي ازروايات ديكر داردا ستفاده شود براينكه اصلا هيچ ازريش زده نشود ودرار شود كما اينكه بعضي ازعلماى يهود اصلا مقراض هم نميكنند واين موجب آتش است دربعضي از روايات وارده وما خواهيم بيان كرد بزودى كه ازيك قبضه زيادتر هم خالي از اشكال نيست

— ۳ — سوم ‌از مؤيدات ما بر حرمة ريش تراشي خبرى است كه مجلسي عليه الرحمه درجلد —٦— بحار درباب مراسلات نبي بسوي ملوك روم وفارس نقل كرده (انه كتب كسرى الى — باذان — قهرمانه وهو — بانويه — وكان كاتبا حاسبا وبعث معه رجلا من الفرس يقال له — خرخسك — فكتب معهما الى رسول الله * ص * يأمره ان ينصرف معهما الى كسرى وقال لبانويه ويلك انظر الى الرجل وكلمه واتني بخبره فخرجا حتى قدما المدينة على رسول الله * ص * واعلمه بانويه وقال له ان شاهنشاه ملك الملوك كسرى كتب الى الملك باذان يأمره ان يبعث اليك من يأتيه به وقد بعثني اليك لتنطلق معي فان قبلت اكتب فيك الى ملك الملوك بكتاب ينفعك ويكف عنك به وان ابيت فهو من قد علمت فهو مهلكك ومهلك قومك ومخرب بلادك وكانا قد دخلا على رسول الله * ص * وقد حلقا لحاهما واعفيا شواربهما فكره النظر اليهما وقال ويلكما من امركما بهذا قالا امرنا ربنا يعيننان بذلك كسرى فقال رسول الله * ص * لكن ربي امرني باعفاء لحيتي وقص شاربي الخ

— ترجمه — خلاصه ترجمه اين است كه دونفر ريش تراش وسبيل كلفت ازجانب كسرى بواسطه باذان عامل يمن وارد مجلس حضرت رسول * ص * شدند حضرت كراهت داشت كه نكاه بصورت آنها فرمايد فرمود كي شمارا باين وضع امر كرده عرض كردند خداي

ما يعني كسرى پادشاه عجم رسول خدا * ص * فرمود پروردگار من امر فرموده مرا باينكه ريش بگذارم وقطع سبيلهارا بكنم اين روايت اصلا دليل ميشود برحرمت ريش تراشي بجهت اينكه پيغمبر * ص * از كفار آتش پرست هم اين عمل رازشت داشت وامر الهي رابيان فرمود ويقيناً اين اشخاصي كه مدعي ديانت هستند وبزيارت امير المؤمنين ميآيند وباصورت تراشيده داخل حرم ميشوند حضرت علي ابن ابيطالب * ع * از آنها رو بر ميگردانند

« فتاواي علماء ومجتهدين »
(برحرمة ريش تراشي)

پر واضح است كه مسئله حرمة تراشيدن ريش ازجمله مسائل مسلمه بين فقهاء است بعدازاجماع برحرمة ازفريقين ـ عامه وخاصة ـ وماجمله از اقوال علماء واساطين سابق ولاحق رانقل ميكنيم

« ۱ » محدث بحراني صاحب حدائق درآخر طهارتش بعد ازاينكه اخبار وارده ازائمه عليهم السلام رابر حرمة ريش تراشى نقل كرده فرموده (الثانية الظاهر كما استظهره جملة من الأصحاب كما عرفت تحريم حلق اللحية لخبر المسخ المروى عن امير المؤمنين * ع * فانه لا يقع المسخ الا على ارتكاب امر محرم بالغ في التحريم)

حاصل كلماتش اين است كه ريش تراشيدن حرام است كما اينكه بزرگان از اصحاب برآنند ازبراى اينكه خبرى كه روايت شده وقبلا مادر اخبار باب نقل كرديم خبر حضرت امير المؤمنين * ع * بود وقضيه مسخ شدن آن اشخاصي كه ريش تراشيده بودند ومسخ در شريعت واقع نميشود مگر ازبراى فعل محرمي كه بالاتر از او حرامي نباشد « ۲ » علامة المحدثين شيخ حر عاملي علاوه برعقد باب مستقلي

دروسائل برحرمة در کتاب ـ بداية الهداية ـ که خلاصه در آنجا تراشیدن ریش رادر عداد محرمات مسلمه شمرده

« ٣ » ازجمله شیخ کبیر شیخ جعفر کاشف الغطاء درباب آداب حمام فرموده حرام است تراشیدن ریش وفرموده احدی مخالفت دراین مسئله نکرده

« ٤ » ازجمله ملامحسن فیض در کتاب وافي بعداز اینکه اخبارباب رانقل کرده فرموده جماعتي ازفقهای مافتوای دادند بحرمة ریش تراشیدن واشنشهاد کرده اند بآیه (فليغيرن) همچنانکه مااستدلال کردیم

« ٥ » ازجمله محدث نوري عليه الرحمه درمستدرك الوسائل بابی منعقد کرده برحرمة تراشیدن ریش

« ٦ » ازجمله شیخ احمد احسائی دررساله حیدریه گفته است تراشیدن ریش حرام وآداب مجوسي‌ها است

« ٧ » فاضل کاباسي فرموده حرام‌است تراشیدن ریش وکراهت دارد دراز کردن ریش

« ٨ » علامه مجلسی‌در کتاب حلية المتقين فرموده بدانکه سنت‌است ریش را میانه بلند گذاشتن نه بسیار بلند ونه بسیار کوتاه‌زیادة‌از یك قبضه مکروه است واحتمال‌حرمة نیزدارد ومشهور میان علماء آنست که تراشیدن ریش حرامست واحوط آنست که اصلاح بسیارشدید که شبیه تراشیدن باشد نکنند

« ٩ » از جمله علامه بحر العلوم

« ١٠ » وصاحب البدايع « ١١ » وصاحب الجواهر

« ١٢ » وعلامه انصاری درآخر مجمع المسائل فرموده تراشیدن ریش حرام است ومقراض کردن بطریق اصلاح چون خود شارع

تجویز کرده جایز است والا اکر ترخیصي ازطرف شارع نبودملحق بود بتراشیدن

« ۱۳ » از جمله فقیه جلیل سید عبـد الله شبر کاظمي در کتاب احسن التقویم

« ۱٤ » شمس الفقهاء شهید اول درقواعـد مسئله‌را مسلم دانسته

« ۱٥ » شیخ علي بن محمد بن الحسن بن زین الدین سبط شهید ثانی در ـ در المنثور ـ مبحث مستقلي برحرمة ریش تراشي عقد کرد واثبات آنرا ازاخبار کرده

« ۱٦ ۱۷ ، ۱۸ ، ۱۹ ، ۲۰ » آیة الله میرزا شیرازي وفاضل ایروانی وآیة الله کوه کمري وآیة‌الله میرزا محمد تقي شیرازي وآقاشیخ زین العابدین حائري

تمام این اعلام دررسائل خودشان حکم بحرمة ریش تراشي کرده‌اند ودرسؤالاتی که ازهندوستان براي مرحوم حجة الاسلام اقاسید محمد کاظم یزدی ومرحوم حجة الاسلام صدر اصفهاني ومرحوم حائري مازندرانی استفتاء شده درریش تراشي تمام این حجج حکم بحرمـة ریش تراشي کرده اند ومرحوم صدر اصفهـانی مرقوم فرمودند حقیر خودم دیدم در یکي از اوراق چاب شده ـ هرکه بفرماید حلق لحیه ـ (تراشیدن ریش) حرام نیست باسواد علمي ندارد یا اظهـار فضیلت میخواهد بنماید وازعلماي عامه ابوالقاسم حسین بن محمد بن المفضل راغب اصفهانی درکتاب محاضراتش حـکم بحرمـة تراشیدن ریش کرده آیة‌الله شیخ الشریعه اصفهانی دررساله خود بس ازفتوی بحرمت فرموده مسئله متسالم علیها بین فقهـا است ومرحوم آیة الله شیخ المجتهدین میرزا محمد حسین نائیني فرمودند علاوه برحرمت کمتر

ازیك قبضه هم بی اشکال نیست وفعلا هم جمیع علماء ومجتهدین نجف اشرف و کربلا تراشیدن ریش را حرام میدانند واحتیاج باینکه اسماء شریف آنها راذکر کنیم نیست وهمچنین جمیع علمای قم ومشهد تراشیدن ریش راحرام میدانند

بعد ازاین همه اقوال علماء وبزرکان دین اکر کسی مخالفت کنداز دو حال خارج نیست یا اینکه میخواهد عناد وعصبیت بخرج دهد یا اصلا دین ندارد بجهت اینکه فرمایشات علماء وحامیان دین واجب الاطاعه است مثل این است که پیغمبر * ص * بیان نموده وشماها ازخود اوشنیده اید این فقهای اسلام از پیش خود چیزی نمیکویند تمام رابا مراجعه بکتب اخبار میفرمایند مثل کتاب کافي که تألیف ثقة الاسلام مرحوم کلیني است که درزمان غیبت صغری این کتاب را تألیف کرده وبانواب خاص امام زمان که خدمت امام میرسیدند مخالطت وآمیزش داشته وتمام این احکام را ازخانواده عصمت اخذ کرده

« مقدار کذاشتن ریش »

(در شریعت)

اما ظاهر اخبار وکلمات علماء درمکروه بودن زیاده ازقبضه است (روی ثقة الاسلام في الوافي عن معلی بن خنیس عن ابی عبدالله *ع* قال مازاد من اللحیة من القبضة فهو فی النار ، وروی في الوافي عن محمد ابن ابي حمزة عمن اخبره عن ابی عبد الله * ع * قال مازاد علی القبضة ففي النار یعني من اللحیة ، وعن یونس عن بعض اصحابه عن ابي عبد الله * ع * ورواه في الفقیه مرسلا عن ابي عبدالله * ع * في قدر اللحیة قال تقبض بیدك علی اللحیة وتجزما فضل قال في الوافي المراد بالقبض علی اللحیة ان یضع یده علی ذقنه فیأخذ بطرفیه فیجزما فضل من مسترسل

اللحية طولا لاالقبض مما تحت الذقن وروی في الوافي وفي الفقيه عن محمد بن مسلم قال رأيت اباجعفر *ع* والحجام يأخذ من لحيته فقال دورها) ازجميع اين اخبار استفاده كراهت ميشود بجهت اينكه امام معنى فرمودند دريكي ازروايات اكر كسي زياده ازقبضه ريش بكذارد آن زياده درآتش است ملازمه ندارد كه خود آن شخص هم در آتش باشد واختلاف درمعنى قبضه هم شده است مرحوم فيض عليه الرحمه دروافي معنى كرده قبضه را باينكه دستش رابكذارد بردقنش (چنه) ودوطرف ريش رابكيرد بس زيادى ها رازند ومعروف است شخصي شبي نشسته كتاب ميخواند ديد نوشته است كه دوچيز علامت حماقت است اول سر كوچك مدور دوم ريش دراز وبهن آنشخص قدري تأمل كرده ودستي بسر ريش خود كشيده ديد هردو علامت دراو موجود است آهي كشيد فكرى كرد باخود كفت سر من علاج ندارد كه بزرك شود ولي علاج ريش راتوان نمود بدون اينكه تأمل كند چراغ رابيش كشيده يك قبضه از ريش دردست كرفته باقي را بشعله چراغ نزديك ساخت شعله بريشش كرفت دستش بسوخت دست رها كرده تمام ريشش سوخت وصورتش برشته شد وآه وناله اش بلند شد قلم برداشته بحاشيه كتاب نوشت كه تجربه شد كه ريش دراز وسر كوچك علامت حماقت است ودراين عالم سر كلام حضرت صادق *ع* ظاهر شد كه اكر زيادى ريش درآتش جهنم باشد بايد خودش هم بسوزد نه اينكه آن احمق را دربهشت ببرند ودرازى ريش اودر جهنم آويزان است ونه اينكه وقتي ميخواهد داخل بهشت شود زيادى ريش راجيده درجهنم ريزند زيرا كه اهل بهشت جوان وامرد درنهايت حسن وجمال وارد بهشت ميشوند ظاهر اين

است که خود ریش دراز را بجهنم اندازند که مخالفت فطرت اسلام نموده وخود را شبیه بیهود ساخته

روایات وارده

«در استحباب زدن سبیل»

درباب حرمة ریش تراشي بعضي ازروایات که نقل شد مشتمل بر کرفتن سبیل هم بود وروایات بالخصوص هم در کتب مختلفه وارد شده درجلد — ١٦ — بحار علامه مجلسي نقل میکنـــد قال الصادق * ع * اخذ الشارب من الجمعة الى الجمعة امان من الجذام وقال النبي * ص * لا يطولن احدكم شاربه فان الشيطان يتخذه مخبئا يستتره وقال النبي * ص * من لم يأخذ شاربه فليس منا من كتاب المحاسن عن الصادق * ع * حلق الشارب من السنه

« ترجمه » فرمود حضرت صادق * ع * کرفتن سبیل ازجمعه تاجمعه دیکر امان است ازمرض جذام وفرمود بیغمبر * ص * احدي ازشما مردم البته باید دراز نکند سبیلهایش را بدرستیکه شیطان درزیر سبیلها مسکن میکند وخود را پنهان میکند فرمود بیغمبر * ص * هر کس نکیرد سبیلهایش را ازما اهل بیت نیست در کتاب محاسن ازحضرت صادق * ع * روایت شده تراشیدن سبیل مستحب است بعداز این همـــه بیانات در ربار ازبیغمبر * ص * وائمـه معصومین خیلي بي انصافي است که شخص عاقل ومتدین بدین اسلام دربیرامون یکعده مزخرفات وخرافات حضرات صوفیه کردش کنـد وخود را مبتلا واسیر یك شخص بی سواد وبي لیـاقت باسم مرشد که واقعاً مضل است نماید اي برادران دیني تاکي تاچند بقوانین اسلام بشت باخواهید زدجرا

این دستورات را عمل نمیکنید ودائماً دنبال هوی وهوس میکردید

« خذوا زینتکم عند کل مسجد »

(درفضیلت شانه کردن ریش)

في تفسير العياشي عن ابی بصير عن ابی عبد الله * ع * قال سألته عن قوله تعالی خذوا زينتكم عند كل مسجد قال هو المشط عند كل صلوة فريضة ونافلة

« ترجمه » ازابي بصيرروايت شده كفت سؤال كردم ازاباعبدالله * ع * از معنی آیه ـ خذوا زينتكم عند كل مسجد ـ فرمود اباعبد الله * ع * زينت كردن در هر مسجدي آن شانه كردن ريش است دروقت هر نمازی واجب باشد یامستحب

عن عمار النوفلي عن ابيه قال سمعت ابا الحسن * ع * يقول المشط يذهب بالوبا قال كان لأبي عبد الله * ع * مشط في المسجد يتمشط به اذا فرغ من صلوته

« ترجمه » عمار نوفلي ازپدرش نقل كرده كفت شنيدم ابا الحسن * ع * رامیفرمود شانه كردن مرض وبارا ميبرد وفرمود از براي ابا عبدالله شانه بود درمسجد وقتي فارغ ازنماز ميشدند شانه ميكردند ـ وكان رسول الله * ص * يسرح تحت لحيته اربعين مره ومن فوقها سبع مرات ويقول انه يزيد في الذهن ويقطع البلغم

« ترجمه » پيغمبر * ص * شانه ميكردند زير ريش مباركشان را چهل مرتبه وازبالای ريش مقدسشان هفت مرتبه وميفرمودند شانه كردن ذهن را زياد ميكند وبلغم رابر طرف ميكند ولذا تجربه شده كه این اشخاصیکه ريش ميتراشند چون موضوع نیست تاشانه بكنند ازاین فوائد محرومند وغالب ريش تراشها بلغمي وبيمار هستندودائما

هم مبتلا بدبدان درد میشوند

قال الصادق * ع * فی قوله * ص * خذوا زینتکم عند کل مسجد قال تمشطو فان المشط یجلب الرزق ویحسن الشعر وینجز الحاجة ویزید فی الصلب ویقطع البلغم

« ترجمه » فرمود حضرت صادق * ع * درذیل آیه شریفه خذوا زینتکم عند کل مسجد شانه کنید بدرستیکه شانه کردن روزی را زیاد میکند وموها رانیکو میکند وحاجات بر میآورد واولاد رازیاد میکند وبلغم راقطع میکند پس شخص ریش تراش از این فوائدی که امام صادق * ع * فرموده محروم است

قال الصادق * ع * مشط الرأس یذهب بالوبا ومسط اللحیه یشد الاضراس

« ترجمه » فرمود شانه کردن سر وبارا میبرد وشانه کردن ریش دندانها را محکم میکند ولذا کویند آن طبیب یونانی کفت اکر ریش تراشي نبود دربین مردم اصلا این دندانها باین عمرها یشان کفایت میکرد وقال ابو الحسن موسی بن جعفر * ع * اذاسرحت لحیتك ورأسك فامر المشط علی صدرك فانه یذهب بالهم والوبا

« ترجمه » فرمود موسی بن جعفر * ع * دروقتي که شانه میکني ریش خودت راوسرت راپس مرور بده شانه را بر سینه ات پس بدرستیکه هم وغم ووباء رامیبرد پس اي مدعي دیانت اقلا این کلمات دربار اهل عصمت راکه ازطرف خدا میکویند وازخودشان اصلا سخني نمیکویند تماش ازجانب حکیم مطلق جل شأنه میباشد دربوته عمل بکذارید وهیچ مصرف هم ندارد جز رها کردن هوی وهوس

« فضائل وفوائد مسواك كردن »

في كتاب امالي الصدوق عن المفضل عن الصادق * ع * قال عليكم بالسواك مطهرة وسنة حسنة الخ في مناهي النبي * ص * انه قال مازال جبرئيل يوصيني بالسواك حتى ظننت انه سيجعله فريضة

ـ ترجمه ـ در كتاب امالى شيخ صدوق عليه الرحمه ازمفضل از حضرت صادق *ع* مروي است فرمود امام صادق برشما باد بمسواك كردن بجهت اينكه پاك كننده است وسنت نيكوئيست فرمود پيغمبر * ص * هميشه اوقات جبرئيل * ع * وصيت ميكنند مرا بمسواك كردن بجوريكه گمان كردم خدا واجب كرده مسواك را

في علل الشرايع عن ابى جعفر * ع * قال قال رسول الله * ص * لو لا ان شق على امتي لامرتهم بالسواك مع كل صلوة

« ترجمه » ازحضرت اباجعفر *ع* مروي است كه فرمود حضرت رسول * ص * اگر دشوار نبود بر امت من هرآينه امر ميكردم ايشانرا برمسواك كردن باهر نمازي كه ميخوانند

قال ابوجعفر « ع » لكل شيء طهور وطهور الفم السواك

ـ ترجمه ـ فرمود اباجعفر « ع » ازبراي هرچيزي پاك كننده ايست و پاك كننده دهان مسواك كردن است

عن النبي « ص » قال اربع من السنن المرسلين العطر والنساء والسواك والحنا

« ترجمه » فرمود پيغمبر « ص » چهار چيز ازسنن ومستحبات پيغمبران وفرستاده شدگان ازجانب خدا است عطرزدن وزن گرفتن ومسواك كردن وحنا ماليدن

وقال النبي « ص » السواك فيه عشر خصال مطهرة للفم مرضات

للرب يضاعف الحسنات سبعين ضعفا وهو من السنة ويذهب بالحفر ويبيض الاسنان ويشد اللثة ويقطع البلغم ويذهب بغشاوة البصر ويشهي الطعام

ـ ترجمه ـ فرمود پيغمبر «ص» مسواك كردن دراو ده خصلت وفائده است (اول) پاك كننده دهن است (دوم) خشنودي خدا دراو است (سوم) كارهاي خوب ونيكوي مسواك كننده ثوابش هفتاد برابر ميشود (چهارم) اينكه ازمستحبات است (پنجم) زردي‌هاي روي دندان راميبرد (ششم) دندانهارا سفيد ميكند (هفتم) لثه ها رامحكم ميكند (هشتم) بلغم‌رارفع ميكند (نهم) پرده ازجلوي چشم برداشته ميشود (دهم) اشتها بطعام پيدا ميكند

ازاين قبيل روايات درفضيلت وخاصيت مسواك كردن بقدري زياد است كه قلم ياراي نوشتن نيست وشارع مقدس اسلام تمام احكام راحتي احكام بيت الخلا رفتن رابراي من وشما فرموده ولكن امامات هوي خواه غافليم ازخواص آئين اسلام فعلا خارجيها استفاده بيشتر ميكنند ازفرمايشات پيغمبر مايعني ازاين اموريكه فوائد دنيوي دارد مثل مسواك كردن وعطر زدن

« فضيلت وفوائد عطر زدن »

دركتاب طب الأئمه روايت شده « لماعرج بالنبي فتقطر عرقه الى الأرض فانبت من العرق الورد الأحمر فقال رسول الله «ص» من اراد ان يشم رائحتي فليشم الورد الأحمر

ـ ترجمه ـ موقعي كه پيغمبر «ص» بمعراج ميرفتند عرق كردند پس قطره هاي عرق مباركشان بزمين ريخت پس از آن عرق گل قرمز (گل محمدي) روئيد پس فرمودند كه هر كس كه ميخواهد

بوی مرا استشمام کند کل قرض را ببوید

قال رسول الله « ص » الريح الطيبة تشد القلب وتزيد في الجماع

ـ ترجمه ـ فرمود پیغمبر « ص » بوهـای پاکیزه ازقبیل عطریات قلب رامحکم میکند وجماع رازیاد میکند

في الخصال عن ابي عبد الله « ع » قال ثلاث يسمن وثلاث يهزلن فاما التي يسمن فادمان الحمام وشم الرائحة الطيبة ولبس الثياب اللينـة فاما التي يهزلن فادمان اكل البيض والسمك والطلع

ـ ترجمه ـ اباعبد الله « ع » فرمود سه‌چیز انسان راچاق وفربه میکنـد (اول) زیاد حمام رفتن (دوم) بوئیـدن عطریات (سوم) لباسهای نرم پوشیدن وسه چیز انسان رالاغر میکنـد (اول) زیاد تخم مرغ خوردن (دوم) ماهي خوردن (سوم) طلع درخت خرما خوردن که قبل از رسیدن باشد در حالت بسربودن ومخفي نماناد که شارع مقدس‌زنان را منع ازاستعمال‌عطریات کرده در موقع بیرون رفتن ازمنزل‌ولکن درمنزل ازبرای شوهرهای خودهرگونه آرایش کنند مجازند ازطرف شارع وسرش پرواضح است در کتـاب میل جنسي‌درزن ومرد « بیولوجي عشق وازدواج » ترجمه عبد الله توکل درصفحه ـ ۷۵ ـ نوشته عطر یکي ازبهترین‌داروهای آرایش وخود فروشي است بوي طبیعي بدن زن. حس شهوت را تحریك میکند . بوی سنبل کوهی گربه‌ها را بسوی خود میکشاند پس بنابراین زن مسلمان نباید درموقع بیرون رفتن ازخانه عطر بزند

« فلسفه امر بمعروف ونهي ازمنکر »

ای اشخاصیکه متدین بدین اسلام هستید وشبانه روز درپنج وقت نماز میخوانید وسال یکمرتبه روزه میگیرید بدانید که‌امر بمعروف

ونهي ازمنكر هم يكي ازواجبات است كه برهر فرد مسلمي واجب است انجـام وظيفة كند فقط مختص برعماء وعلماى دين نيست بلكه برجميع مسلمين است كه اقدام كنند باين امري كه خود امام فلسفه اورا بيان نموده (بعبـارت واضحتر كه خيال نكنى اسم فلسفه از اوربا آمده) آن فوائدى كه مترتب برامر بمعروف ونهى از منكر است خود شارع بيان نموده

في التهذيب والوسائل عن ابى جعفر * ع * قال يكون في آخر الزمان قوم يتبع فيهم قوم مراؤن الى ان قال ولواضرت الصلوة بسايرما يعملون باموالهم وابدانهم لرفضوها كما رفضوا اسمي الفرائض واشرفها ان الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر فريضة عظيمة بها تقام الفرائض هنالك يتم غضب الله عزوجل عليهم فيعمهم بعقابه فيهلك الأبرار في دار الأشرار والصغـار في دار الكبار ان الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر سبيل الأنبياء ومنهاج الصلحاء فريضة عظيمة بها تقام الفرائض وتأمن المـذاهب وتحل المكاسب وترد المظالم وتعمر الأرض وينتصف من الأعداء ويستقيم الأمر الخ الحديث

ـ ترجمه ـ درتهذيب ودروسائل ازحضرت اباجعفر * ع * روايت شده فرمود درآخر الزمان كروهي ميباشند كه بيروي كردهميشوند درايشان كروهي كه رياكننده اند تا اينكه فرمود اكرنماز ضرربزند بكارهايشان وباموالشان وبدنهايشان هرآينه ترك ميكنند نماز رامثل اينكه ترك كردند بالاترين واجباترا وشريفترين واجباترا بدرستيكه امر بمعروف ونهي ازمنكر واجب بزركى است كه بواسطه او اقامه واجبات ميشود دراين موقع كه ترك ميكنند بسر ميرسد غضب خداوند تبـارك وتعالى بس عـذابش شامل همه ميشود بس هلاك

میشوند خوبان درخانه بدان و کوچکان « بچه‌های بی گناه » درخانه بزرگان بدرستیکه امر بمعروف و نهي ازمنکر راه پیغمبران است وطریقه صلحاء وخوبان است واجبي است بزرك بواسطه او اقامه واجبات میشود ومأمون میشود وطرق وراهها وحلال میشود کسبها ورد کرده میشود ظلمها ومعمورمیشود زمین وانصاف گرفته میشود ازدشمنان ومستقیم میشود کارها

عن علي بن ابراهیم عن هرون بن مسلم عن مسعده بن صدقه عن ابی عبد الله *ع* قال قال النبي *ص* کیف بکم اذا فسدت نساؤکم وفسق شبابکم ولم تأمروا بالمعروف ولم تنهوا عن المنکر فقیل له ویکون ذلك یارسول الله فقال نعم وشر من ذلك کیف بکم اذا امرتم بالمنکر ونهیتم عن المعروف فقیل له یارسول الله ویکون ذلك قال نعم وشر ذلك کیف بکم اذا رأیتم المعروف منکرا والمنکر معروفا

ـ ترجمه ـ علي بن ابراهیم قمي بسند خود از حضرت صادق *ع* روایت میکنند که امام صادق فرمود پیغمبر *ص* فرمود چه میشود شمارا دروقتیکه زنهای شما فاسد شوند وجوانهای شما فاسق وشما آنها را امر بمعروف ونهي ازمنکر نمیکنید پس گفته شد یارسول الله میشود اینطور شود پس فرمود بلي بدتر ازاین شمارا چه شود وقتی که امر میکنید مردم را بکارهای بد ونهي میکنید ازکارهای خوب پس گفته شد یارسول الله میشود اینطور شود فرمود بلي بدتر از این شمارا چه شود دروقتیکه کارهای خوب وزیبارا بد وزشت میبینید وکارهای زشت وبدرا خوب وزیبا روایات درباب امر بمعروف ونهی ازمنکر زیاده ازحد است

ولکن عمل کرده نمیشود اسلام درموقعي قوت میگیرد که این

مفاسد ازمابین مردم رفع شود تا این گونه بی ناموسی ها ولا ابالی گریها درمابین مردم رفع نشود اصلاح نخواهد شد جرا موضوع حجاب راتعقیب نمیکنید مگر هرروز قرآن نمیخوانید جرا میخوانید صرف خواندن که نیست نزول قرآن برای عمل کردن باحکام الهي است همانطوریکه نماز میخوانید باید امر بمعروف ونهي ازمنکر هم بکنید ولکن باشرائطش تمام این مفاسدي را که امروز مي بینید از این کشف حجاب پیداشده بجهت اینکه آن زنی که خودرا آرایش میکند ودر خیابانها گردش میرود دل هزارها جوان رامي رباید وجوانهم درازاء آن خودرا درست کرده ریش میتراشد سرافسار « کروات » مي اندازد باتمام بی شرمي وبی شرفي عشقبازی مي نماید ای متمدن بی تمدن جراهم خواهر خود را بخیابانها واسنخرها وسینماها وتآترها میفرستی ودختر خودرا بدبیرستان که جز درس عشقبازی یاد نمي گیرد رها میکني خودت فکر کن وجدانت قبول این معنی رامیکند یانه جرا باید درمملکت اسلامي این مقدار مسکرات بفروش رود این شرابهائیکه غیرازضرر دنیوی واخروی فائده دیگر نداردوخداوند تبارك وتعالی درکتاب مجیدش حرمت شرب آنرا بیان نموده بااینحال اگر بمرکز ایران که طهران است روی وهمینطور بعضي ازشهرهای دیگر مغازه هاي مشروب فروشي بیشتر است ازمغازه های کتاب فروشي

ای اهل مشهد ومجاورین قبر علي بن موسی الرضا جرا باید کار خانه مشروب سازی درآن سرزمین بوده باشد وهیچ گفته نشود جرا از مجاورین قبرخواهرش حضرت معصومه تعلیم نگرفتید باتمام مردانگي وفتوت دکاکین عرق فروشي رامضمحل کردند واقعاً هم نتیجه

بردند بکوشید دراظهار حقایق وهدایت گمراهان

« قولوا الحق ولو کان علی انفسکم »

(نکته قابل توجه)

یکي ازمحرماتي که درمملکت مسلمین وشیعیان امیرالمؤمنین (ع) قبحش برطرف شده مسئله رديو است که اصلا اهمیت باین محرم بزرك داده نمیشود باتمام بي شرمي ازتمام طبقات مرتکب این عمل شنیع هستند ومیگویند اخبارش که عیبي ندارد ولکن غافلند ازاینکه اصلا وضع رادیو از برای غافل کردن جامعه اسلام است ازذکرخدا واحکامش وعلاوه گوش دارید چشم دارید مي شنوید که روز وشب جزساز ونوازی که باعث فساد اخلاق زن وفرزند وغفلت آنان ازذکر خدفائده دیگر نداردو اصلا هتك بکتاب آسماني میشود ؟

بجهت اینکه چند سوره ازقرآن مجیدهم اگر خوانده شود بعدش رقص دختر مصری وویالون زدن وساز نواز است وحال آنکه اگر قبل از آایات قرآني قرائت شده نهي از تمام این اعمال شنیع میکند وخلاصه بکوشید دررفع این مفاسد تاکي عبرت نمیگیرید هرگز مرکي ازبرای خود تصور نمي نمائید وگرنه ساعتی فرار نخواهید کرد بدانید آنچیزهائي که وسیله ازبراي نشر اعمال شنیعه است بجامعه « ازقبیل ویالون زدن وساز ونواز وخواندن زن مصری » حرام است باتفاق جمیع علماء وهرکس مخالفت نماید ازدو حال خارج نیست یا اینکه مدارك احکام رانمي فهمد ویااینکه هوی پرست وهوی خواه است

آزادی فحشاء

در کشور ایران

چرا باید در کشور ایران که مذهب رسمي مردم تشیع ودین رسمي مردم اسلام است درهر شهری فواحش بوده باشد بطوریکه اصلا آزاد باشد ودولت هم در کارهای آنها نظارت داشته باشد ولهذا میکوشد که ازشیوع سوزاك وسفلیس جلوکیری کند اما بدبختانه این کار سودي ندارد وفواحش جوانان راروز بروز بیچاره تر میکنند دربعضي از کشورهای دنیا که بوی اسلام هم بدماغشان نخورده دولت صاف وصریح فحشاء رامنوع داشته ولي متأسفانه کشور ایران که مرکز تشیع وعلوم آل محمد است باید درهر شهری محل مخصوص بنام « شهرنو » مهیا وآماده باشد ازبرای برباد دادن عفت ومنقطع کردن نسل عدهٔ ازجوانان

بدانید ای مدعیان دین اسلام تاروزي که « شهرنو » درکشور شماها وجود دارد « هیچ انجمن مبارزه بافسادی » نخواهد توانست کاری از بیش ببرد بدبختانه باید اعتراف کرد که ایران کنونی مرکز ثقل بیماریهای آمیزشي درخاور میانه شده است سرنوشت « اهواز » و« آبادان » ازبندر « مارسیل » « فرانسه » بدتر است وسرنوشت تهران را همهما میدانیم ومؤلف کتاب « بامن بشهرنو بیائید » خوب مطالب را آفتابی نموده ویك ننك بزرکی است ازبرای جامعه اسلام ویقین بدانید که این کتاب بزبانهای دیکر ترجمه میشود وفضاحت آن عالم کیر میشود لهذا بکوشید دررفع کردن این عفریتهای شهرنوی ومیکربهای سوزاك وسفلیس ودولت ایران اکرعلاقه داشته

باشد کهجو انانرا از بدبختی نجات دهد و نگذارد که درسال ششصد هزار نفر برای معالجه سوزاك وسفلیس شان به بیمارستان نجات بروند باید جارهٔ بیندیشد وشهرنو را ازمیان بردادر بعقیده حقیر این است که باید حتي القوه این کاررا انجام داد برای خاطر بقای نسل ایرانی وباقطع نظر ازجنبه دیانت آیاوجدان شخص عاقل راضي میشود براینکه ناموس دیگران رادر یکشب اشخاص متعدده باأو عشق ورزند والادر کتاب آسمانی که نازل بر پیغمبر اسلام شده نهي ازنظر کردن بنامحرم نموده حتي پوشانیدن زن چشمش را از مردنامحرم تاچه رسد باین بي ناموسيها خلاصه بکوشید درقطع کردن بنیاد این بی عفتي هائیکه باعث عذاب وعقاب اخروی است

محل مثله کردن

یا (سالون آرا یشگاه)

درسالون آرایشگاه سلمانیها ریش میتراشند ولکن پیغمبر * ص * فرموده مثله میکنند وهر کس مثله کند لعنت وغضب الهي براوست آن شخصي که بسالون آرایش میآید وحاضر میشود برای تراشیدن ریش خود مبتلا بعذاب اخروي وامراض دنیوی میشود ولـــکن سلماني وآرایش دهنده علاوه برعذاب اخروی اجرتی را که درمقابل عمل تراشیدن ریش غیرمیگیرد حرام است ومالك آن نمیشود ولباسهائی که با آن وجـه میخرد غصبي است وتمـام اعمالش از قبیل نمـــاز وحجش باطل است بجهت اینکه اجرت برعمل محرم حرام است باجماع تمام فقهـاء مسلمین مثل اجرت گرفتن برصنایع آلات قمار وساختن مشروبات والسلام علی من اتبع الهدی

فهرست

غلط نامه

صفحه	سطر	غلط	صحيح
۳	۱۰	سعادتمندى	سعادتمندي
۳	۱۲	اکثر	کثر
٦	۲	ممکنان	ممکنات
۱٦	۱۸	حقظ	حفظ
۱۹	۲۲	يشود	بشود
۲۱	٦	دشمبان	دشمنان
۲۲	۳	اپن	اين
۲۳	٤	يرست	پرست
۲۳	٥	يقيباً	يقيناً
۲٤	۸	اشتشهاد	استشهاد
۲٥	۱٥	استفداء	استفتاء
۳٥	٤	وطرق	طرق
۳۷	۳	رديو	راديو
۳۷	۷	خد	خدا
۳۷	۱۱	آاينيات	اين آيات

كتاب ديگر مؤلف كه بعداً
بطبع خواهد رسيد

سنن النبوية

في الآداب والأذكار

فردي — نوعي — اجتماعي

عنوان مراسلات

نجف أشرف — مدرسه سيد

١٣٩٤ ر DUE DATE ٢٩٤٣٢٥

٥٣٨٨

دین حنیف یا رسالہ حنفیہ حرمت ریش تراشی